

دانشگاه فرهنگیان
فصلنامه علمی-تخصصی آموزش پژوهی
سال دوم، شماره پنجم، بهار ۱۳۹۵

تأثیر آموزش مهارت‌های مطالعه بر عملکرد تحصیلی با نقش تعدیل‌کنندگی اسنادها در دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر کرمانشاه

کامران یزدانبخش^۱، آسیه مرادی^۲، مهدی سلیمانی^۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف اثربخشی آموزش مهارت‌های مطالعه بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان با نقش تعدیل‌کنندگی سبک‌های اسنادی انجام شد. جامعه پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان پسر سال اول متوسطه دبیرستان‌های شهر کرمانشاه (۴۳۵۰ نفر) بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شد. پس از انتخاب ۳۶ نفر به عنوان نمونه پرسش‌نامه پژوهش (سبک اسناد سلیگمن، ۱۹۸۲) بین این افراد توزیع شد. سپس آزمودنی‌ها با توجه به نتایج پرسش‌نامه و عملکرد تحصیلی پایین به صورت تصادفی در گروه آزمایش و کنترل جایگزین شدند. نتایج نشان داد که متغیرهای وابسته در گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل، ارتقاء معناداری داشته است. همچنین نتایج نشان داد که آموزش مهارت‌های مطالعه بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دارای سبک اسناد مثبت تأثیر معناداری داشته است. اما بین نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون در دانش‌آموزان دارای سبک اسناد منفی تفاوت معناداری وجود نداشت، از یافته پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که سبک اسناد مثبت و داشتن مهارت‌های مطالعه باعث افزایش عملکرد تحصیلی می‌شود. بنابراین این احتمال وجود دارد که رابطه بین مهارت‌های مطالعه و عملکرد تحصیلی به وسیله سبک اسناد میانجی‌گری شود.

کلیدواژه‌ها: مهارت‌های مطالعه، سبک‌های اسناد، عملکرد تحصیلی.

^۱ عضو هیئت علمی گروه روانشناسی دانشگاه رازی

^۲ کارشناسی ارشد روانشناسی دانشگاه رازی

مقدمه

دانش آموزان بخش مهم و عظیمی از جمعیت هر کشوری را تشکیل می‌دهند. پیشرفت تحصیلی آن‌ها یکی از شاخص‌های مهم در ارزیابی آموزش و پرورش است و تمام تلاش این نظام، در واقع برای جامه عمل پوشاندن به این امر است. پیشرفت تحصیلی دانش آموزان و بررسی عوامل موثر بر آن موضوع مهمی است که بخش عمده‌ای از پژوهش‌های علوم تربیتی را به خود اختصاص داده است (ارجمند سیاهپوش، قدس جعفری و فریغلانی، ۱۳۹۰). در واقع مهم‌ترین هدف عینی و مفید هر نظام آموزشی و پرورشی ارتقای پیشرفت تحصیلی دانش آموزان آن جامعه است (قلائی، کدیور، صرامی و همکاران، ۱۳۹۱).

مطالعه عوامل موثر بر پیشرفت تحصیلی طی سه دهه اخیر بیش از پیش مورد توجه متخصصان تعلیم و تربیت قرار گرفته است. این عوامل به دو دسته فردی و محیطی تقسیم می‌شوند. تحقیقات انجام شده در این زمینه نشان می‌دهد که متغیرهای شخصیتی و شناختی (عوامل فردی) در مجموع ۷۰ درصد و سایر متغیرها از جمله محیطی، اجتماعی و موقعیتی ۳۰ درصد را به خود اختصاص می‌دهند (فریدمن^۱، ۲۰۰۲). از جمله عوامل فردی که منجر به افت و شکست تحصیلی می‌شود ضعف در مهارت‌های مطالعه و یادگیری می‌باشد. در چند سال اخیر، نظریه پردازش اطلاعات به عنوان یکی از نظریه‌های یادگیری مورد توجه زیادی قرار گرفته است. بر اساس این نظریه، راهبردهایی وجود دارد که با بهره‌گیری از آن‌ها می‌توان یادگیری را تسهیل کرد (سیف، ۱۳۸۹).

مهارت‌ها یا راهبردهای مطالعه شامل افکار و رفتارهای پنهان و آشکاری است که با موفقیت در یادگیری مرتبط هستند و می‌توانند از طریق مداخلات آموزشی تغییر یابند. همچنین این مهارت‌ها یا راهبردها به صورت هر فعالیت شناختی، عاطفی یا رفتاری تعریف شده است که فرایند ذخیره، بازیابی و استفاده از دانش یا آموخته‌ها را تسهیل می‌نماید (دروسیس روسا،

¹ Friedman

شوارتز، هاگ و بوردج^۱، ۲۰۰۴). از نظر مارشاک و بورکل^۲ (۱۹۸۱) مهارت‌های مطالعه فنون ویژه‌ای هستند که از آن‌ها برای اکتساب، نگهداری و کاربرد دانش و اطلاعات استفاده می‌گردد. مطالعات انجام شده در حیطه‌ی روان‌شناختی نیز نشان داده است که مهارت‌های مطالعه و یادگیری، با تسهیل یادگیری، عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان را بهبود می‌بخشد (تالرو، سانچزو ویلیز^۳، ۲۰۱۵؛ بلونت، هاکان و آیدین^۴، ۲۰۱۵؛ کارسیا، کردا، مونگ و هانگ^۵، ۲۰۱۴؛ دانکر، بوئر، کاستون، دیگان و وان در^۶، ۲۰۱۴؛ پائلو، موریرا، فیلیپ و جوا^۷، ۲۰۱۳؛ حسن‌بیگی و همکاران، ۲۰۱۱؛ شמושکی، حسینی، چرکزی، جعفری و بخشا، ۱۳۹۲؛ نظری شاکر، فتح تبار فیروزجایی و همکاران، ۱۳۹۰؛ کریمی و فرحبخش، ۱۳۹۰؛ علی‌بخش و زارع، ۱۳۸۹). بنابراین شناخت این راهبردهای مطالعه گامی اساسی برای مداخلات آموزشی مناسب می‌باشد و موفقیت دانش‌آموزان را از طریق تعیین نقاط قوت و ضعف مطالعه و تامین مداخلات مناسب ارتقاء می‌بخشد.

از طرفی تحقیقات نشان داده‌اند که شناخت‌ها و باورهای منفی و نادرست دانش‌آموزان نسبت به توانایی‌های خود می‌تواند به عملکرد تحصیلی پایین منجر شود (رابرت^۸، ۲۰۰۱؛ شهنی، جلیل‌زاده و مکتبی، ۱۳۹۰ و درستکار، جوادی و سپاه منصور، ۱۳۹۱). اکثر دانش‌آموزانی که عملکرد تحصیلی ضعیفی دارند از عزت نفس پایینی نیز برخوردار می‌باشند و خود را فردی نالایق و کم‌توان می‌دانند. دانش‌آموزان با عملکرد تحصیلی پایین، سبک‌های اسنادی منفی و بدبینانه دارند و عملکرد تحصیلی ضعیف آن‌ها منجر به سبک اسنادی بدبینانه آتی نیز می‌شود (شهنی و همکاران، ۱۳۹۰). فرلا، والک و شتین^۹ (۲۰۰۷)، در پژوهش خود تایید کردند که نسبت دادن و اسناد علل موفقیت تحصیلی به عوامل کنترل‌پذیر، با پیامدهای شناختی،

¹ Derossis- Rosa, Schwartz, Hauge & Bordage

² Marshal & Burkle

³ Talero, Sánchez & Velez

⁴ Bulent, Hakan & Aydin

⁵ Carissa, Cerda, Myung & Hughes

⁶ Donker, Boer, Kostons, Dignath & Van der

⁷ Paulo, Moreira, Filipa & João

⁸ Robert

⁹ Ferla, Valcke & Schuyten

فراشناختی، انگیزشی و عاطفی مثبت و موفقیت تحصیلی همراه است. به همین جهت به رغم مطالعات انجام شده در این زمینه، اثربخشی مهارت‌های مطالعه در بهبود پیشرفت تحصیلی با تعدیل کنندگی سبک‌های اسناد دانش‌آموزان در مناطق و فرهنگ‌های مجزا از سایر مطالعات قبلی ضروری به نظر می‌رسد تا با استفاده از نتایج آن بتوان پیشرفت درسی و از این طریق انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان را در اداره مستقل و نیز بهینه‌سازی تجاری یادگیری آن‌ها در کلاس و مدرسه و سایر فضاهای آموزشی افزایش داد.

مواد و روش

در این پژوهش از طرح پژوهش نیمه‌آزمایشی از نوع پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه گواه استفاده شد. جامعه پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان پسر سال اول متوسطه دوم دبیرستان‌های سه ناحیه شهر کرمانشاه در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۳ بود. تعداد کل دانش‌آموزان ۴۳۵۰ نفر بودند که به صورت خوشه‌ای از این سه ناحیه، ناحیه دو و از این ناحیه یک مدرسه انتخاب شد. برای نمونه‌گیری و انتخاب آزمودنی‌های پژوهش از میان دانش‌آموزان هر سه کلاس سال اول آن مدرسه و با رعایت ملاک ورود شامل پایین بودن معدل نوبت اول، و ملاک خروج شامل معدل‌های بالا تعداد ۳۶ نفر انتخاب شد و با توجه به سبک اسناد و معدل در دو گروه کنترل و آزمایش (هر گروه ۱۸ نفر) به صورت هم‌تاسازی جایگزین شدند. برنامه آموزشی بر روی گروه آزمایش به مدت ۸ جلسه ۶۰ دقیقه‌ای اجرا شد محتوای این جلسات از پژوهش حسن‌پور، میکائیلی منبع، عیسی‌زادگان، آدینه‌وند و سعادت‌مند (۱۳۹۳)، گرفته شده است. این پروتکل بر اساس روش چهار مرحله‌ای ساپ^۱ (۱۹۹۹) طراحی شده است. پس از پایان جلسات، معدل نوبت دوم هر دو گروه را به دست آورده و داده‌ها در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در سطح توصیفی شاخص‌های آماری میانگین و

¹ Sapp

انحراف استاندارد به دست آمد و در سطح استنباطی جهت آزمون فرض‌ها از روش تحلیل کواریانس استفاده شد که برای این منظور از نرم افزار SPSS نسخه ۱۹ کمک گرفته شد.

ابزارهای پژوهش

عملکرد تحصیلی: در پژوهش حاضر برای سنجش عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان از معدل نوبت اول و دوم آن‌ها به عنوان ملاک عملکرد تحصیلی در نظر گرفته شد.

پرسش‌نامه سبک‌های اسنادی: آخرین فرم تجدیدنظر شده این پرسش‌نامه در سال توسط سلیگمن و سینگ (۱۹۸۲) ارائه شد. این پرسش‌نامه شامل ۱۲ موقعیت فرضی (شش موقعیت مثبت و شش موقعیت منفی) است و ۴۸ سوال دارد (برای هر موقعیت ۴ سوال). در راهنمای این آزمون از فرد خواسته می‌شود که تصور کند در آن موقعیت قرار دارد و درباره علت اصلی آن موقعیت تصمیم بگیرد و سپس به سوالات در یک طیف هفت درجه‌ای پاسخ دهد. در یک مطالعه در خارج از ایران، بریج (۲۰۰۱) ضریب آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه را ۰/۸۰ گزارش داد. سلیمانی‌نژاد (۱۳۸۱) نیز آلفای کرونباخ برای این پرسش‌نامه را ۰/۴۷ گزارش کرد. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ محاسبه و ۰/۷۸ به دست آمد.

شیوه عمل و اجرای جلسات به‌طور خلاصه به شرح زیر می‌باشد.

جلسه اول: منطبق آموزش توضیح داده شد.

در این جلسه در مورد نقش تجارب ناخوشایند گذشته در امتحان، هیجانات و احساسات امتحان و تاثیر آن‌ها در ایجاد اضطراب با دانش‌آموزان بحث و گفتگو شد و به صورت خلاصه به دلایل اضطراب امتحان اشاره شد. ضمن برقراری ارتباط با مراجع، برای او توضیح داده شد که اضطراب امتحان مربوط به تجربیات گذشته وی است که در موارد انجام امتحان، ناخوشایند بوده است. به‌طور کلی به مراجع آموزش داده شد که چطور در مورد زمان امتحان و ارائه مطلب برنامه‌ریزی کند. این به مراجع کمک می‌کند تا زمان واقعی امتحان را مشخص کند.

جلسه دوم: روش برنامه‌ریزی در مطالعه طی چند مرحله به آزمودنی‌ها آموزش داده شد. در این جلسه آموزش تهیه برنامه‌های روزانه، هفتگی و نیمسال، آموزش زمان مطالعه برای هر موضوع و ثبت مدت زمان مطالعه، بررسی نقش تجارب مختلف (از جمله عصبانیت، بی‌علاقگی، سردرد و غیره) در فرایند مطالعه.

جلسه سوم: آموزش برخی از روش‌های مطالعه (شامل: مطالعه اجمالی، تندخوانی، عبارت خوانی، دقیق خوانی، خواندن تجسسی، خواندن انتقادی، روش خواندن برای درک زیبایی و جنبه‌های هنری).

جلسه چهارم: در این جلسه راهبرد مطالعه پس ختام (SQ4R)^۱ آموزش داده شد.

جلسه پنجم: در این جلسه راهبرد مطالعه مردر آموزش داده شد.

جلسه ششم: در این جلسه روش آموزش دو جانبه، مطالعه مشارکتی و روش پرسیدن دو جانبه آموزش داده شد.

جلسه هفتم: مروری بر جلسات قبل و راهبرد مطالعه کاپس آموزش داده شد.

جلسه هشتم: مروری بر جلسات قبل و رفع اشکال.

یافته‌ها

تحلیل داده‌های پژوهش با استفاده از نرم افزار SPSS-19 انجام گرفت. با توجه به اینکه برای استفاده از شاخص‌های آماری پارامتریک باید توزیع داده‌ها نرمال باشد، برای تعیین توزیع جامعه (نرمال بودن داده‌ها) از آزمون شاپیرو-ویلک استفاده شد نتایج نشان داد که داده‌ها دارای توزیع نرمال می‌باشند.

در جدول ۱ میانگین و انحراف استاندارد پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری عملکرد تحصیلی در گروه‌های آزمایش و کنترل آمده است.

^۱ surve, question, review, recite, reflect, read

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد پیش‌آزمون و پس‌آزمون عملکرد تحصیلی در گروه‌های آزمایش و کنترل

گروه	پیش‌آزمون		پس‌آزمون	
	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
آزمایش	۱۱/۸۴	۱/۹۴	۱۳/۰۴	۱/۹۵
کنترل	۱۲/۰۷	۱/۹۴	۱۲/۰۶	۱/۹۱

نتایج جدول ۱، نشان می‌دهد که در گروه آزمایش میانگین عملکرد تحصیلی در پیش‌آزمون از ۱۱/۸۴ به ۱۳/۰۴ در پس‌آزمون رسیده است، اما در گروه کنترل میانگین پیش‌آزمون ۱۲/۰۷ بوده و در پس‌آزمون ۱۲/۰۶ شده است.

برای بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های مطالعه بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان از تحلیل کواریانس یکراهه استفاده شد برای بررسی پیش‌فرض‌های تحلیل کواریانس ابتدا همگنی شیب پیش‌آزمون‌ها با پس‌آزمون‌ها محاسبه شد که نتایج نشان داد شیب پیش‌آزمون میانگین‌های نمرات با شیب پس‌آزمون آن برابر است. پیش‌فرض دوم کواریانس برابری واریانس‌ها می‌باشد، برای بررسی برابری واریانس‌ها در نمره عملکرد تحصیلی از شاپیرو-ویلک استفاده شد که نتایج نشان داد این پیش‌فرض (برابری واریانس‌ها) نیز برقرار است. با توجه به برابری واریانس‌ها از تحلیل آنکووا استفاده شد که نتایج آن در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. تحلیل کواریانس برای بررسی تاثیر مداخله بر عملکرد تحصیلی

منبع	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری	مجذور اتا
پیش‌آزمون	۱۰۲/۴۸	۱	۱۰۲/۴۸	۱۳۵/۸۰	۰/۰۰۱	۰/۸۰
گروه	۱۲/۳۰	۱	۱۲/۳۰	۱۶/۳۰	۰/۰۰۱	۰/۳۳

نتایج جدول ۲ بیانگر آن است بین نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون تفاوت معناداری وجود دارد ($P < ۰/۰۰۱$)، و این بدان معنی است که آموزش مهارت‌های مطالعه بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان در نمونه مورد بررسی تاثیر معناداری گذاشته است. با توجه به مقدار مجذور اتا

می توان گفت که تاثیر آموزش مهارت های مطالعه بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان ۰/۳۳ بوده است.

در جدول ۳ نتایج برای بررسی نقش تعدیل کنندگی سبک های اسناد در اثربخشی آموزش مهارت های مطالعه بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان آمده است.

جدول ۳. نتایج برای بررسی نقش تعدیل کنندگی سبک های اسناد در اثربخشی آموزش مهارت های مطالعه بر عملکرد تحصیلی

منبع	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری
گروه*سبک اسناد	۲/۴۳	۱	۲/۴۳	۵/۰۸	۰/۰۳

نتایج جدول ۳ نشان می دهد که نقش تعدیل کنندگی سبک های اسناد در اثربخشی آموزش مهارت های مطالعه بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان تایید می شود، بنابراین اثربخشی آموزش مهارت های مطالعه بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان با توجه به سبک اسناد دانش آموزان مورد بررسی قرار گرفت، نتایج در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴. تحلیل کوواریانس برای بررسی تاثیر آموزش مهارت های مطالعه بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان با توجه به سبک های اسناد

سبک اسناد	منبع	مجموع مجذورات	Df	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری	مجذور اتا
مثبت	گروه	۱۱/۹۲	۱	۱۱/۹۲	۳۲/۷۰	۰/۰۰۱	۰/۶۴
منفی	گروه	۰/۸۶	۱	۰/۸۶	۱/۲۸	۰/۲۸	۰/۱۰

نتایج جدول ۴ بیانگر آن است بین نمرات پیش آزمون و پس آزمون در دانش آموزان دارای سبک اسناد مثبت تفاوت معناداری وجود دارد ($P < 0/001$)، و این بدان معنی است که آموزش مهارت های مطالعه بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان دارای سبک اسناد مثبت تاثیر معناداری گذاشته است. با توجه به مقدار مجذور اتا می توان گفت که تاثیر آموزش مهارت های مطالعه بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان دارای سبک اسناد مثبت ۰/۶۴ است. اما بین نمرات

پیش‌آزمون و پس‌آزمون در دانش‌آموزان دارای سبک اسناد منفی تفاوت معناداری وجود ندارد، و این بدان معنی است که آموزش مهارت‌های مطالعه بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دارای سبک اسناد منفی تاثیر معناداری نداشته است. تحلیل‌های این کار زیر نظر اساتید دانشگاه رازی انجام گرفته که پس از دریافت نظرات داور محترم مجله، بار دیگر با متخصصان آماری و اساتید دانشگاه مشورت‌های لازم به عمل آمد. نظر اساتید بر همین است که نتایج باید با روش تحلیل کواریانس یک‌راهه باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج نشان داد که آموزش مهارت مطالعه بر عملکرد تحصیلی موثر است. اما اثربخشی آن تحت تاثیر سبک اسناد قرار می‌گیرد که این یافته با نتایج پژوهش تالرو و همکاران (۲۰۱۵)، بلونت و همکاران (۲۰۱۵)، کارسیا و همکاران (۲۰۱۴)، دانکر و همکاران (۲۰۱۴)، پائلو و همکاران (۲۰۱۳)، حسن بیگی و همکاران (۲۰۱۱)، شמושکی و همکاران (۱۳۹۲)، شاکر و همکاران (۱۳۹۰)، سعیدی (۱۳۹۰)، کریمی و فرحبخش (۱۳۹۰)، علی‌بخش و زارع (۱۳۸۹) همخوان بود. محققان نشان دادند که مهارت‌های مطالعه روشی سودمند جهت افزایش عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان است. با توجه به اینکه در مدارس برنامه‌ای برای آموزش روش‌های صحیح مطالعه وجود ندارد و این مساله مورد توجه قرار نمی‌گیرد و هر دانش‌آموزی به شیوه خود به فراگیری می‌پردازد. لذا طبیعی است که تعداد زیادی از این افراد شیوه صحیح مطالعه را ندانند و پایین بودن سطح پیشرفت آن‌ها به نحوه مطالعه مربوط باشد. در تفسیر این نتایج باید به این مورد نیز توجه داشت که به زعم بندورا (۱۹۷۷) این باورها و مهارت‌ها یک ویژگی ذاتی نبوده و ترجیحاً نتیجه پردازش شناختی یک فرد می‌باشند. بنابراین همه نظام‌های آموزشی بر این بوده‌اند که عواملی را که باعث تغییر در پیشرفت و عملکرد دانش‌آموزان می‌شوند را شناسایی و در جهت بهبود آن‌ها تلاش کنند.

از نظر مارشاک و بورکل (۱۹۸۱) مهارت‌های مطالعه فنون ویژه‌ای هستند که از آن‌ها برای اکتساب، نگهداری و کاربرد دانش و اطلاعات استفاده می‌گردد و آن‌ها را می‌توان به عنوان شیوه‌های حل مساله نیز در نظر گرفت. در فرایند اکتساب مهارت‌های مطالعه می‌توانند از نحوه یادگیری بهتر آگاه شوند و مسئولیت‌پذیری بیشتری را در امر یادگیری به عهده گیرند همین امر منجر به افزایش انگیزش دانش‌آموزان و تلاش‌های بیشتر آنان خواهد شد که منجر به افزایش عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان می‌شود.

همچنین نتایج پژوهش نشان داد که سبک‌های اسناد در اثربخشی آموزش مهارت‌های مطالعه بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان نقش تعدیل‌کنندگی دارد، و این بدان معنی است که آموزش مهارت‌های مطالعه بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دارای سبک اسناد مثبت تاثیر معناداری گذاشته است. با توجه به مقدار مجذور اتا تاثیر آموزش مهارت‌های مطالعه بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دارای سبک اسناد مثبت ۰/۶۴ بود. اما بین نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون در دانش‌آموزان دارای سبک اسناد منفی تفاوت معناداری وجود نداشت، و این بدان معنی است که آموزش مهارت‌های مطالعه بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دارای سبک اسناد منفی تاثیر معناداری نداشته است. این یافته با نتایج پژوهش درستکار و همکاران (۱۳۹۱) همخوان می‌باشد.

از میان نظریه‌های شناختی نظریه‌هایی که چگونگی تفکر افراد درباره علت‌های موفقیت و شکستشان را به عنوان تعیین‌کننده‌های اصلی انگیزش به حساب می‌آورند به نام نظریه‌های اسنادی معروف می‌باشند (سیفرت، ۲۰۰۴؛ واینر، ۱۹۹۲). نظریه اسنادی به ما کمک می‌کند تا دریابیم چگونه دانش‌آموزان، موفقیت و شکست خود را تبیین می‌کنند و چگونه این توضیحات در انگیزه آن‌ها برای رفتارهای پیشرفت در آینده تاثیر می‌گذارد. مهارت‌های مطالعه به عنوان ابزار یادگیری به یادگیرنده کمک می‌کند تا اطلاعات تازه را برای ترکیب با اطلاعات قبلاً آموخته شده و ذخیره‌سازی آن‌ها در حافظه کوتاه مدت آماده کند. وقتی که یادگیرنده دارای سبک اسناد مثبت با آموزش مهارت‌های مطالعه در یادگیری کسب توفیق کند از این راه

رضایت خاطر نصیب او شده و در او نسبت به یادگیری بیشتر ایجاد انگیزه می‌شود. به اعتقاد بلوم (۱۹۸۲) راه ایجاد انگیزش به وجود آوردن شرایط موفقیت است. همچنین زمانی که دانش‌آموزان مهارت‌ها و راهبردهای یادگیری را کسب می‌کنند، می‌فهمند که کنترل یادگیری و کسب موفقیت، به مقدار زیادی در دست خودشان است (اسناد مثبت) و می‌توانند با به کار بردن آن به موفقیت دست یابند و خود را به عنوان یادگیرندگان خود کارآمد تلقی می‌کنند. در صورتی که دانش‌آموزان داری سبک اسناد منفی با توجه به اینکه عوامل موفقیت را به شرایط بیرونی و ناپایدار نسبت می‌دهند، آموزش مهارت مطالعه در این گروه تغییر چندانی در عملکرد آن‌ها ایجاد نمی‌کند.

اگر دانش‌آموزان باورهای مثبتی درباره توانایی‌های خود داشته باشند، اسنادهایی می‌سازند که به پایداری، سلامت، عزت نفس و پیشرفت آن‌ها کمک می‌کند. به‌طور کلی و بر مبنای یافته‌های پژوهش حاضر و مقایسه آن با نتایج پژوهش‌های پیشین می‌توان نتیجه گرفت که می‌توان شاهد پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان بود و میزان افت تحصیلی آنان را کاهش داد در صورتی که به آنان آموزش داده شود تا از سبک‌های مناسب مانند سبک اسناد درونی و اسناد کلی و در رویدادهای مثبت و خوشایند استفاده نمایند و موفقیت‌هایشان را به توانایی خود نسبت دهند و نیز در موقعیت‌های منفی (حوادث ناخوشایند) مانند شکست‌ها، از سبک‌های اختصاصی و بیرونی استفاده کنند و ضعف خود را به تلاش کم نسبت دهند.

برخی از دانش‌آموزان ناکامی تحصیلی خود را به عواملی چون کم‌استعدادی یا نداشتن امکانات نسبت می‌دهند در حالی که یکی از عواملی موفقیت تحصیلی آشنایی با مهارت‌های مطالعه و یادگیری است. دروسی که بر رشد مهارت‌ها، راهبردها و روش‌های شناختی تاکید دارند می‌توانند بر ایجاد کفایت و کنترل و در نتیجه افزایش انگیزش درونی کمک نمایند و همچنین در عملکرد موفقیت‌آمیز و در نتیجه ایجاد نگرش مثبت به یادگیری تاثیرگذار باشند. بنابراین می‌توان گفت یکی از عوامل مهم موفقیت تحصیلی آشنایی با مهارت‌های مطالعه و یادگیری است و بسیاری از دانش‌آموزان به علت آشنا نبودن با مهارت‌ها و استراتژی‌های مطالعه

و یادگیری دچار ناامیدی و شکست تحصیلی می‌شوند. اکثر دانش‌آموزان در فرآیند مطالعه و دست‌یابی به شیوه صحیح یادگیری، دچار سرگردانی، اشکال و اتلاف وقت در میان انبوهی از منابع و مآخذ می‌شوند. به طوری که می‌توان گفت بخش وسیعی از مشکلات افت تحصیلی ناشی از بی‌توجهی نسبت به روش‌های صحیح مطالعه است. عامه مردم معتقدند که محصلان خود به خود شیوه‌های درست مطالعه را کشف می‌کنند. این اعتقاد اساس درستی ندارد و محصلان باید فنون و شیوه‌های صحیح مطالعه را از طریق کوشش هشیارانه بیاموزند. مطالعات نشان داده‌اند که نارسایی در مهارت‌های یادگیری و مطالعه می‌تواند تمامی مزایای یک محیط آموزشی یا حتی قابلیت‌های هوشی، شخصی و سلامت جسمی و روانی افراد را به‌طور منفی تحت‌الشعاع خود قرار دهد و از طرفی در صورت کارآمدی می‌تواند بسیاری از نارسایی‌های احتمالی در محیط‌های آموزشی یا حتی کاستی در انگیزش تحصیلی و سلامت جسمی-روانی را که می‌تواند تاثیر مطلوبی بر عملکرد تحصیلی فرد داشته باشد را تعدیل یا جبران کند. به دلیل اینکه جامعه پژوهش شامل دانش‌آموزان پسر سال اول متوسطه می‌باشد بنابراین برای تعمیم نتایج به سایر جامعه‌ها باید با احتیاط عمل کرد. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌هایی مشابه در سایر مقاطع تحصیلی و بر روی دانش‌آموزان دختر هم انجام گیرد. همچنین در پژوهش‌های آتی نقش متغیرهای دیگر مانند: انگیزش تحصیلی، سبک‌های یادگیری، سبک‌های شناختی مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

ارجمند سیاهپوش، اسحق و محمدحسن قدس جعفری و محمد فریغلانی، (۱۳۹۰). «بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دوره‌ای متوسطه شهر شوش دانیال (ع)»، فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، سال دوم، شماره دوم، صص ۲۰-۷.

حسن‌پور، الناز و فرزانه میکائیلی منیع و علی عیسی‌زادگان و عبدالله آدینه‌وند، (۱۳۹۳). «مقایسه اثربخشی آموزش مهارت‌های حافظه و خودتنظیمی هیجانی بر کاهش اضطراب امتحان

دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر ارومیه سال تحصیلی ۹۲-۹۱، مجله دست‌آوردهای روان‌شناختی، سال ۲۱، شماره ۲.

درستکار، ناهیده و محمدجعفر جوادی و مژگان سپاه منصور، (۱۳۹۱). «رابطه بین سبک‌های اسناد و ادراک دانش‌آموزان از شیوه‌های فرزندپروری والدین با پیشرفت تحصیلی آن‌ها»، مجله پژوهش‌های روان‌شناختی دوره ۶، شماره ۳ و ۴.

سیف، علی‌اکبر، (۱۳۸۹). روان‌شناسی پرورشی نوین. ویرایش ششم. تهران: نشر دوران.

شموشکی، محمد تقی و سید عابدین حسینی و عبدالرحمن چرکزی و سید یعقوب جعفری و فوزیه بخشا، (۱۳۹۲). «مهارت‌های مطالعه و ارتباط آن با وضعیت تحصیلی دانشجویان»، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی. ۱۳ (۱)، صص، ۶۶-۷۱.

شهنی، منیجه و ناهید جلیل‌زاده و غلامحسین مکتبی، (۱۳۸۹). «رابطه سبک‌های اسنادی با افسردگی و عملکرد تحصیلی در دانش‌آموزان دختر پایه‌ی پنجم ابتدایی شهرستان اهواز»، مجله روان‌شناسی تربیتی، دوره ۷، شماره ۱۲، صص، ۴۷-۷۰.

علی‌بخشی، سیده زهرا و حسین زارع، (۱۳۸۹). «اثر بخشی آموزش خودتنظیمی یادگیری و مهارت‌های مطالعه بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان»، فصلنامه روان‌شناسی کاربردی. سال ۴، شماره ۳ (۱۵)، صص، ۸۰-۶۹.

قلائی، بهروز و پروین کدیور و غلامرضا صرامی و محمد اسفندیاری، (۱۳۹۱). «ارزیابی مدل باورهای خودکارآمدی معلمان به عنوان تعیین‌کننده‌های میزان رضایت شغلی آن‌ها و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان»، پژوهش در برنامه‌ریزی درسی. سال نهم، دوره دوم، شماره ۵ (پیاپی ۳۲)، صص، ۱۰۷-۹۶.

کریمی، مهین و کیومرث فرحبخش، (۱۳۹۰). «رابطه خودتنظیمی عاطفی و مهارت‌های مطالعه با عملکرد تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان». مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، ویژه‌نامه توسعه آموزش و ارتقای سلامت، ۱۱ (۹).

نظری شاکر، حسین و کاظم فتح‌تبار فیروزجایی و محمدرضا کرامتی، (۱۳۹۰). «بررسی رابطه بین عادت‌های مطالعه و خودکارآمدی تحصیلی با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پایه

سوم راهنمایی شهرستان بابل»، فصلنامه علوم تربیتی، سال چهارم، شماره ۱۵، ص ۵۹-۷۱.

- Carissa A., Cerda, Myung, H. , & Hughes, J. N. (2014). *Learning related skills and academic achievement in academically at-risk first graders*. Journal of Applied Developmental Psychology, Volume 35, Issue 5, September–October 2014, Pages 433-443.
- Bulent, A., Hakan, K., & Aydin, B. (2015). *An Analysis of Undergraduates' Study Skills*. Procedia - Social and Behavioral Sciences, Volume 197, 25 July 2015, Pages 1355-1362.
- Donker, A.S., Boer, H., Kostons, D., Dignath, C., & van der , W. (2014). Effectiveness of learning strategy instruction on academic performance: A meta-analysis. *Educational Research Review*, Volume 11, Pages 1-26.
- Derossis, A. M. Rosa, D. D. Schwartz, A. Hauge. L. S. & Bordage, G. (2004). *Study habits of surgery residents and performance on American Board of Surgery In-Training examinations*. Am J Sur, 188 (3): 230-6.
- Ferla, J. Valcke, M. & Schuyten, G. (2007) *Relationships between student cognitions and their effects on study strategies*. Learning and Individual Differences, 18, 271-278.
- Friedman, I.A. (2002). *Student behavior patterns contributing to teacher burnout*. The journal of educational research, 88 (5) , 281-289.
- Hassanbeigi, A. Askari, J. Nakhjavani, M. Shirkhoda, S. Barzegar, K. Mozayyan, M.R. Fallahzadeh, H. (2011). *The relationship between study skills and academic performance of university students*. Social and Behavioral Sciences 30 (2011) 1416 – 1424.
- Marshal, D., & Burkle, R. (1981). *Learning to study: a basic skill*. Principal, 61 (2) , 38-40.
- Paulo A.S., Moreira, P. D., Filipa, M. V., & João M.V. (2013). Predictors of academic performance and school engagement — Integrating persistence, motivation and studyskills perspectives using person-centered and variable-centered approaches. Learning and Individual Differences, Volume 24, Pages 117-125.
- Robert, K. (2001). Using attributional style to predict academic performance: how does it compare to traditional methods? *Personality and Individual Differences*, Volume 31, Issue 5, 1 October 2001, Pages 723-730
- Sapp, M. (1999). *Test anxiety: applied research, assessment and treatment intervention*. lanham, USA. Wisconsin University Press of America.
- Talero-Gutiérrez, c., Sánchez-Torres, J.M. & Velez-van-Meerbeke, A. (2015). *Learning skills and academic performance in children and adolescents with absence epilepsy*. Neurología (English Edition) , Volume 30, Issue 2, , Pages 71-76.